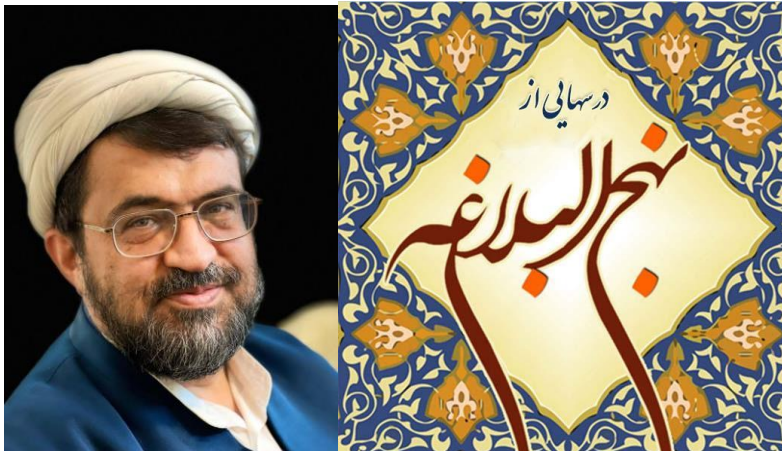


مرکز اسلامی امید بوستن

برنامه مجازی درسهایی از نهج البلاغه

یک هفته در میان روزهای شنبه ساعت 9 بعد از ظهر به وقت شرق آمریکا و کانادا
4:30 صبح روزهای یکشنبه به وقت تهران



سخنران: حجت الإسلام دکتر حمید رضا شریعتمداری

حجت الإسلام دکتر حمید رضا شریعتمداری علاوه بر مطالعات حوزوی دارای دکترای فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه تهران میباشد. ایشان در حال حاضر با رتبه دانشیاری ریاست دانشکده فلسفه دانشگاه ادیان را بعهدہ دارند. ایشان دارای مقالات متعدد پژوهشی در زمینه کاربردی های عقل در تشیع و تدریس در دانشگاههای مختلف ایران در زمینه های گوناگون را در کارنامه خود دارند.

عنوان این هفته: "کار کرد صبر و انواع آن" (جلسه هفدهم)

خلاصه بحث این جلسه: صبر را امیرالمؤمنان از نشانه های تقوای پیشگان دانسته و در قرآن کریم، چند بار صبر در کنار تقوا ذکر شده است. در این جلسه کارکرد صبر که آن را همسایه تقوا قرار داده، مورد بحث قرار خواهیم داد.

Program for Saturday, August 5, 2023 @ 9 PM EDT

4:30 صبح یکشنبه 15 مرداد ماه به وقت تهران

9:00-9:05 Quran Recitation

9:05-9:50 Lecture

9:50-10:00 Question and Answer

10:00-10:15 Ziarat Warith and Dua

چکیده:

یکی از خطبه‌های معروف نهج البلاغه، که به دلیل مضمونش به "متقین"، و به دلیل مطالبه‌کننده‌اش به "همام"، معروف است، به خاطر بیان بیش از یکصد خصلت اخلاقی و معنوی، به عنوان تراز انسان کامل یا مؤمن تقوایی، تلقی شده است. اما این خطبه، نقل و تقریر دیگری دارد که می‌تواند پیامدهای معرفتی دیگرگونی را عرضه کند.

ابوالفتح کراچکی، در گذشته ی ۴۴۹ق که تقریباً معاصر گردآورنده نهج البلاغه، سید رضی (در گذشته ی ۴۰۶ق) می‌زیسته است، در کتاب سترگش، "کنز الفوائد"، این خطبه را به گونه‌ی دیگری نقل کرده است. بنابه این نقل، حضرت بر جماعتی سرخوش و غفلت زده می‌گذرد که خود را شیعه‌ی حضرت می‌دانند. حضرت این عنوان را بر آنها، منطبق نمی‌داند و با اصرار همام که در این نقل، برادرزاده ربیع بن خثیم، معرفی می‌شود، این خطبه را در وصف شیعی واقعی ایراد می‌کند. در این نقل، شش بار و از جمله، سه بار بر زبان امام، نام شیعه برده شده است. شیخ صدوق (د. ۳۸۱) نیز این خطبه را البته شبیه به نقل سید رضی در کتاب معروفش، "صفات الشیعه" آورده و نشان داده که او نیز این حدیث را در وصف شیعه تلقی می‌کرده است. مطابق با این تقریر و تلقی، این خطبه به صدد بیان تراز یک شیعه یا شیعی نوع نمون یا یک شیعه کامل است و در هر حال، جهت‌گیری یک شیعی واقعی را نشان می‌دهد. این تصویر از شیعه، محدود به این خطبه نیست، بلکه ده‌ها روایت دیگر را سراغ داریم که با محوریت عنوان شیعه، وصف‌های فراوانی را ردیف می‌کند که دقیقاً همان سویی اصلی خطبه متقین (یا دقیق‌تر، خطبه شیعه) را بازتاب می‌دهد. شیخ صدوق در کتابی که تحت عنوان "صفات الشیعه" فراهم آورده و آن را پس از دیگر کتابش، "فضائل الشیعه" نگاشته، ۵۶ حدیث را نقل کرده که با فهرست کردن همه اوصاف روایت شده در آن مجموعه، معلوم می‌گردد که سویی اصلی و غالبشان همان درون‌مایه‌ی خطبه‌ی همام است.

ملاحظه‌ی این خطبه و آن همه روایت، بدون اشاره (یا با کمترین اشاره) به آموزه‌های خاص شیعی (چه برسد به شعائر شیعی)، مبرهن می‌سازد که غایت مطلوب در تشیع یا به تعبیر دیگر، درون‌مایه‌ی اصلی تشیع، نه شعائر خاص شیعی است و نه آموزه‌های خاص شیعی، بلکه همین عمل منسکی، اخلاقی و معنوی است و البته این به معنای کم‌ارج دانستن این بخش از هویت و ماهیت شیعی نیست. هر دین و مذهبی مجموعه‌ای است از آیین‌ها، تعالیم، و باید و نبایدهای عملی. شعائر هویت بخش، مهابت بخش و انسجام‌آفرین هستند. تعالیم نیز جهت بخش، مرزگذارنده و معنابخش هستند، و سرانجام، پایدها و نبایدها نظام بخش، سازنده، ارتقادهنده، تعالی بخش و تأمین‌کننده‌ی غایات عینی دین هستند، اما همه این مؤلفه‌های مهم و غیرقابل چشم‌پوشی اگر از حدّ و منزلت واقعی خود فراتر بروند، آسیب‌زا می‌شوند.

اگر شعائر اصالت پیدا کنند و وجهه‌ی غالب دین و مذهب بشوند، این آسیب‌ها رخ خواهند نمود: نشانه‌ها و نمادها مهم‌تر می‌شوند، اتفاقات بیرونی و ظاهری بر تحولات درونی، برتری می‌یابند، میل به تمیز و تمایز، و منکوب ساختن رقیبان و مخالفان، غالب می‌شوند، سیاهی‌لشکر مهم می‌شود، عقل و معرفت به سود احساسات و عواطف، تضعیف می‌شوند، منقبت‌گرایی و معجزه‌گرایی رواج می‌یابند و در اقلیت‌های دینی و مذهبی، معمولاً تصویری تراژیک از وضعیت و موقعیتشان حاکم می‌شود.

اما اگر در مذهبی، مثلاً در تشیع، نگاه آموزه‌ای غالب بشود، آموزه‌های خاص شیعی پررنگ می‌شوند، میل به طرد، تهمیش و تکفیر فزونی می‌یابد، همه چیز در حب و بغض خلاصه می‌شود و در هر دو، غلو صورت می‌گیرد، امامان خاص و انحصاری شیعیان می‌شود، و موعود، مهدویت و همه آرمان‌های معطوف به آینده تاریخ در خدمت مذهب به تصویر کشیده می‌شوند. اما اگر به جای تشیع شعائری و تشیع آموزه‌ای، تشیعی غالب شود که ده‌ها روایت شیعی (با برشمردن ده‌ها صفت برای شیعه)، معطوف به آن است، یعنی باید و نباید، و خوب و بد عبادی، اخلاقی و معنوی محوریت و اصالت پیدا کنند، هویت‌های مذهبی کم‌رنگ می‌شوند، توحید اصالت پیدا می‌کند و ولایت در ذیل آن و برای نیل به آن، تعریف می‌شود، امامان شیعه تجسم فضائل اخلاقی و معنوی، و الگو و اسومریکاه می‌شوند و سیره‌شان (و نه مناقب عرشی و فوق‌عرشی، و نه معجزات و کرامات خارق‌العاده‌ی نسبت داده شده به آنها) اهمیت بیش‌تر می‌یابد، به جای تقرب به امام، تشبیه به امام مهم می‌شود و...